



در مدت زمان هفت دقیقه بازیگران بداهه گفته بودند و کلیدواژه‌های که اتصال به سکانس بعد بود را از بین برده بودند. در سریال «هیولا» با تک تک سلول‌هایم از یک چیز لذت می‌بردم و آن این بود که مهران مدیری هم به شدت محبت کرد و به متن وفاداری کرد و هم تمام بازیگران تمام تلاششان را کردند که در کار کم‌دی دیالوگ و شوخی را درست بازی و ادا کنند. از نظر من چیزی که به کار کم‌دی کمک می‌کند این است که وفادار به متن پیش بروند. تجربه‌ام می‌گوید کسانی که متن را قشنگ می‌خوانند و برایش زمان صرف می‌کنند کمترین خطا را در بیان دیالوگ‌ها و ادا شوخی‌ها دارند اما در مقابل بازیگرانی داریم که دوسوم از شوخی‌هایشان را ب‌آدا می‌کنند.

در روند کار اتفاق افتاده که اختلاف نظری بین مهران مدیری و پیمان قاسم‌خانی پیش بیاید و این اختلاف نظر روی نگارش فیلمنامه تاثیر منفی بگذارد؟!

نه واقعا. حضور آقای قاسم‌خانی برکتی دارد؛ اول این است که حرف نسنجیده نمی‌زند و بعد روی حرفی هم که می‌زند اصرار می‌ورزد. البته آقای مدیری به جهت تغییری که در شیوه ساخت خودشان داده بودند بیشتر به همه اطمینان می‌کردند. ضمن این که این دو شخص بسیار اهل تعامل بودند. آقای مدیری خودشان سرشار از ایده و خلاقیت هستند. سکانس‌هایی که خود آقای مدیری خیلی می‌خندیدند سکانس‌هایی بود که بین مردم هم خیلی طرفدار داشت.

موقعیت‌های طنز سریال «هیولا» را چه کسی طراحی می‌کرد؟ پیمان قاسم‌خانی، شما یا مشورت تیمی بود؟
پیمان قاسم‌خانی یک خط داستانی و کلیت سکانس‌ها را ارائه می‌داد و من دیالوگ‌نویسی و سکانس‌بندی را انجام می‌دادم.

در سریال «هیولا» با یک سری کلیدواژه روبه‌رو می‌شویم مثل وجدان، درست‌کاری، شرافت، آوازده و... این کلیدواژه‌ها از ابتدا در ذهن شما بود که روی آن‌ها مانور داده‌اید یا در جریان شکل‌گیری قصه توسط مهران مدیری پررنگ شد؟

استفاده‌های مختلف از «شرافت» که علاقه شخصی خود من است. اما سایر کلیدواژه‌ها به مقتضیات قصه شکل گرفت. چیزی که در این سریال برای من خیلی مهم است و ما می‌توانیم به آن افتخار کنیم این است که ما با تلخ‌ترین اتفاق عالم بشریت سریال طنز می‌سازیم و آن سقوط انسانیت است! در این مسیر به هر حال با توجه به موقعیت داستان یک سری واژه‌ها بیشتر استفاده می‌شود اما یک سری کلمات هم هست که سلیقه‌ای است. مثلا اصطلاح «چم و خم کار» را یک بار نوشته بودم اما دو بار دیگر هم استفاده کردند چون در بین مردم جا افتاده بود.

مجازی زیاد استفاده کنم ندارم، همین الان در حال نگارش یک فیلم سینمایی هستم و با تهیه‌کننده که صحبت می‌کردم گفتم تمام مشکل من این است که می‌خواهم فیلمنامه شبیه فیلم‌های دیگر نشود و گر نه دو ماه پیش این کار را نوشته بودم. اما ما به‌طور کلی سعی کردیم از شوخی‌های مجازی استفاده هدفمند کنیم که ذهن مخاطب را به فکر فرو ببرد.

طنز موقعیت طنزی است که خنده در آن بیشتر است ولی احتمال در نیامدنش از زمان خلق آن در ذهن نویسنده تا اجرا هم به دلایل مختلف، بیشتر است. قبول دارید؟ علاقه شما به کدام یک بیشتر است؟

کاملا درست است. من طنز موقعیت را خیلی بیشتر دوست دارم اما طنز کلامی هم بهتر است. مثلا در سریال شما باید تعدادی موقعیت خلق کنید اما در هر سکانس باید شوخی داشته باشید که آن سکانس اکت نکند. درست است احتمال در نیامدن سکانس‌ها و خوب اجرا نشدن شوخی‌ها واقعا وجود دارد. در طول این سال‌ها متن‌هایی نوشتم که خیلی زیاد شوخی و طنز کلامی مرتبط با بدنه داستان نوشتم و بازیگران رفتند و با بداهه‌گویی سکانس را نابود کردند و نقطه قلاب به سکانس بعدی را کلاز بین بردند. یک دفعه سر یک پروژه‌های یک‌سوم صفحه سکانس نوشتم که از تناقض شوخی درمی‌آمد و یک‌سوم صفحه را

یک جزیره‌ای تشکیل شده بود که آدم‌ها جهان خودشان را داشتند و این کمک می‌کرد که سطح فانتزی و تیپ‌سازی که تخصص آقای مدیری هست به بهترین شکل خودش نمود پیدا کند. در سریال «هیولا» تماس یک فرد با یک اجتماع است و در این صورت شما نمی‌توانید همه اجتماع را به سمت فانتزی ببرید! برای همین ایشان آمدند شخصیت‌ها و فضا را خیلی ژانل تر گرفتند و برای این که به سمت تیپ‌سازی نروند، تمام بازیگران کارشان را تغییر دادند و حتی در گروه فیلمبرداری و شاید چند نفر بودیم که در کارهای قبلی هم با ایشان همکاری داشتیم. بنابراین من ضمن ستایش هنر سیامک انصاری، نظر بسیار مثبتی در خصوص فرهاد اصلانی در ایفای نقش «هوشنگ شرافت» دارم.

برخی شوخی‌ها، شوخی‌های مجازی هستند، چیزی که متأسفانه در طنزهای جدید زیاد استفاده می‌شود؛ شما چقدر در شوخی نویسی سعی کردید از شوخی‌های مجازی فاصله بگیرید و چرا گاهی گرفتارش شدید؟

بستگی دارد شما از یک شوخی به چه صورت استفاده کنید؛ مثلا در قسمت دهم ما به اصطلاح عامه، با پلنگ‌های اینستاگرام شوخی کردیم. من یک شوخی کردم که بله ما همه می‌دانیم اینستاگرام پلنگ دارد و آن را با یک پلنگ واقعی اشتباه می‌گیریم ولی همه این شوخی را می‌توانند انجام بدهند! من علاقه‌ای به این که از فضای



حضور آقای قاسم‌خانی برکتی دارد؛ اول این است که حرف نسنجیده نمی‌زند و بعد روی حرفی هم که می‌زند اصرار می‌ورزد. البته آقای مدیری به جهت تغییری که در شیوه ساخت خودشان داده بودند بیشتر به همه اطمینان می‌کردند. ضمن این که این دو شخص بسیار اهل تعامل بودند. آقای مدیری خودشان سرشار از ایده و خلاقیت هستند. سکانس‌هایی که خود آقای مدیری می‌خندیدند سکانس‌هایی بود که بین مردم هم خیلی طرفدار داشت.

